

جهان اسلام، نهضت بیداری

ویژه میانسال

ارائه محتوا جهت استفاده
مربیان، ائمه جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir



فهرست

۳.....	جهان اسلام، نهضت بیداری.....
۶.....	تاریخچه بیداری اسلامی.....
۱۰.....	دلیل تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی.....
۱۳.....	نتیجه.....
۱۸.....	منابع و پی‌نوشت‌ها.....



جهان اسلام، نهضت بیداری

بیداری، ضد خواب است، پس بیداری به معنای حیات و زندگی است و نیز، به معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود و اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه های برترین دین الهی است در نتیجه، بیداری اسلامی به معنی حیات برتر (برین) و یا تلاش برای دستیابی به آن است و این حیات، تنها از دین، قابل دریافت است زیرا، خدا به انسان و جهان حیات بخشیده و پیامبرش ما را به آنچه زنده می کند، فرامی خواند. به بیان دیگر، بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل و تجدیدحیات اسلام، معنا می دهد که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه ها و ارزش های متعالی الهی، بار دیگر زنده می شود و یا حیات می یابد.

بیداری یا احیاگری اسلامی نوعی اصلاح گری دینی است. البته نه آن اصلاح دینی اتفاق افتاده در غرب. در اصلاح دینی به معنا غربی، دین، به گونه ای دستخوش تغییر و تبدیل قرار می گیرد و در پی آن، جامعه، دینی نمی شود بلکه دین به قلمرو شخصی رانده می شود و در این صورت، دین از عرصه حیات اجتماعی بیرون می رود، اما بیداری و احیاگری اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی است و به همین دلیل، باید غبار از سیمای دین زدوده شود و صورت و سیرت دین هویدا گردد که در نتیجه این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می گردد. به سخنی دیگر، بیداری اسلامی مهجوریت زدایی از دین یا بازپیرایی و واخوانی گزاره ها و آموزه های اسلامی از اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشسته است. (۱)

بیداری اسلامی علی رغم تنوع گرایش ها و زیرمجموعه های متفاوت، پیام واحدی به تاریخ، مخابره می کند که مضمون آن، این است که: ما دوباره برگشتیم تا دین

ت

را به عرصه زندگی فردی و بیشتر اجتماعی انسان بازگردانیم. این احساس و خودآگاهی، ترکیبی از دو حالت شرمندگی و عزم بازگشت به ارزش های ناب و راستین گذشته دارد. شرمندگی در برابر عزتی که زمانی آن را در اختیار داشته و امروز مسلمین، فاقد آن اند و دوم، بازگشت به اسلام به این معنا که عقب افتادگی ما ناشی از دور شدن از اسلام است.

اگر بخواهیم دو عنصر شرمندگی و بازگشت را در یک عبارت، جمع بندی کنیم، می گوییم معنا و پیام بیداری اسلامی این است که به اسلام با همه جامعیت آن و با همه ابعادش بازگردیم تا عزت گذشته خویش را باز یابیم و یا به عزت بر بادرفته خویش دست یابیم. همان گونه که از معنایی که از بیداری اسلامی کردیم، هویداست، مراد از کلمه بازگشت، سیرارتجاعی و معکوس در تاریخ نیست. یعنی مراد از بازگشت، بازگشت به گذشته و سیر قهقرایی در تاریخ نخواهد بود بلکه منظور، بازگشت به اسلام، و توبه از کم توجهی به اسلام و یا جبران عمل نکردن کامل به دین نبوی است. یعنی بیداری اسلامی مترادف است با این سخن که ما فاصله عظیمی در عقیده، اخلاق و عمل اجتماعی از مفاهیم و ارزش های اسلامی گرفته ایم و برای جبران کوتاهی های چند قرن اخیر، باید تلاش کنیم. هدف از این بازگشت، ساختن یک تمدن جدید اسلامی با به کارگیری ارزش های خالص اسلامی و تجربه انسانی تمدن بشری است.

نهضت بیداری اسلامی هدفش تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارش و علم با عمل، جمع شود. (۲)

اقدام به هر کار و تلاش مهم و صادقانه در راستای اصلاح فرد و جامعه در پرتو تعالیم تعالی بخش اسلام، نیازمند تعیین اولویت ها و مهمترین هاست، تا مبلغ -

مخلص با چشمی بازو معرفت مطلوب در مسیر راهیان راه ایمان و داعیان دعوت حق گام بر دارد . نهضت بیداری اسلامی نیز با توجه به عمق مسئولیت‌ها و گستردگی زمینه فعالیت در جهت تعمیق ارزشهای ایمانی و تحقق «توحید و تقوا و عدالت و حریت» در گستره‌ی حیات بشریت، بیش از پیش نیازمند تعیین اولویت‌ها و محورهای مهم و مهمتر اندیشه و عمل بوده و براین باور است که، اهمال آنها سبب سردرگمی و به هرز رفتن توانها و استعدادها خواهد گردید. برخی از مواردی که باید در این راه در نظر گرفته شوند عبارتند از:

- ۱- به جای پرداختن به «فروع و جزئیات» اهتمام به «اصول و کلیات»
- ۲- به جای توجه بیش از حد به «نوافل و مستحبات» اولویت دادن به «فرائض و واجبات»
- ۳- به جای مشغول شدن به امور «اختلاف و نزاع» برانگیز، اولویت دادن به موارد «اتحاد و وفاق» آمیز.
- ۴- به جای اهتمام بیش از حد به «شکل و ظاهر» رفتار، توجه بیشتر به «معنی و ماهیت» کردار.
- ۵- پرهیز از «افراط و تفریط» و روی آوردن به «اعتدال» و میانه روی.
- ۶- دوری از سختگیری و «ایجاد نفرت» و اهتمام به آسانگیری و «تعمیق الفت»
- ۷- گریز از تنگ نظری و «تقلید» و روی آوردن صاحبان اهلیت به «اجتهاد و تجدید»
- ۸- به جای پرداختن به «مباحثات ذهنی» توجه به «کار و فداکاری»
- ۹- پرهیز از «احساسات» و عکس العمل گرایی و اهتمام به «تفکر» و برنامه ریزی.



- ۱۰- دوری از «تعصب و تند روی» در مورد دیگران و توجه به «تحمل و کنار آمدن» با آنان.
- ۱۱- روی گردانی از «تحریک احساسات» و اولویت دادن به «تعلیم و تربیت».
- ۱۲- فرود آمدن از آسمان «خیالات»، به سرزمین «واقعیات»
- ۱۳- بجای توجه بیش از حد به «کمیت»، اولویت دادن به «کیفیت»
- ۱۴- دوری از «تکبر» و انانیت و التزام به «تواضع» و اخوت.
- ۱۵- به جای افتخاربیش از حد به «گذشته»، روی آوردن به عمل و برنامه ریزی برای «حال و آینده»
- ۱۶- به جای پرداختن به مسائل صرفاً «سیاسی»، اولویت دادن به کار و خدمات «فرهنگی و اجتماعی»
- ۱۷- گریز از «اختلافات» نزاع برانگیز و توجه به «انتقادات» سازنده و صادقانه و الفت آمیز.
- ۱۸- «محبت با اهل ایمان» و جهاد همه جانبه و «قاطعیت علیه دشمنان».
- ۱۹- رهایی از تنگ نظری اندیشه های «محلی و منطقه ای» و اهتمام به رسالت «جهانی» بیداری اسلامی

تاریخچه بیداری اسلامی

از شرح گذشته آشکار است که پدیده بیداری اسلامی، گرچه ریشه در تاریخ دارد ولی در دهه‌های اخیر به دلایل مختلفی چون هجوم استعمار غربی به کشورهای اسلامی، توسعه یافته است. با مرور تاریخ بیداری اسلامی، هم می‌توان به ریشه‌های تاریخی بیداری اسلامی پی برد و هم علت توسعه اش را در دهه‌های اخیر دریافت:

با ظهور اسلام، تحولی عظیم در تاریخ بشریت اتفاق افتاد به آن علت که: اسلام، مرزهای نژادی، جغرافیایی و قومی را در نور دید و برپایه کلمه الله، جوامع مختلف را به یکدیگر نزدیک کرد و قدرت مادی و معنوی شگرف و شگفت در ایمان آورندگان، به وجود آورد. به دیگر بیان، در میان اقوامی که نه بهره ای از فرهنگ و تمدن آن زمان برده بودند و نه دارای قدرت مادی بودند، هم عزت دنیوی پدید آورد و هم آنان را به اوج معنویت برد و نیز، در شرایطی که هم تمدن یونان در اوج شهرت بود و هم قدرت هایی مانند امپراتوری ایران و روم، ابر قدرت های زمان بودند، اسلام ظهور کرد و اولاً، آن دو قدرت بزرگ را شکست داد و ثانیاً، به سرعت در جغرافیای زمین گسترش یافت و دیری نپایید که بخش بزرگی از دنیای آن زمان را در اختیار گرفت.

این گسترش تنها ارضی و مرزی نبود بلکه دنیای فکر و اندیشه اسلامی به موازات قدرت نظامی و اقتصادی جهان اسلام توسعه پیدا کرد و این زمانی بود که اروپای آن دوران، دوران افول خود را طی می کرد ولی فرهنگ و تمدن اسلامی همچنان رو به توسعه بود و حتی زمانی که تمدن اسلامی در اوج شهرت و معروفیت خود قرار گرفت، تمدن غرب در خواب فرو رفت به گونه ای که بعدها غربی ها آن دوران را «عصر تاریکی در غرب»، نام نهادند زیرا در برابر اسلام، آنان چیزی برای ارائه کردن به جهان بشریت نداشتند. جنگ های صلیبی در حقیقت، پاتکی بود که غرب به جهان اسلام زد، البته اگرچه در طول دو قرن نتوانست آنچه را که از نظر نظامی می خواست به دست آورد اما با فرهنگ و ادبیات و پیشرفت های فکری جهان اسلام به تدریج آشنا شد و این خودزمینه ای برای بیداری غرب شد.

به همین دلیل، دوره رنسانس به معنی پشت سر گذاشتن عصر تاریکی و آغاز دوره ای بود که به آن، عصر روشنایی یا روشنگری گفته اند و بدین ترتیب، غربی ها

تحت تأثیر جهان اسلام و با الگوگیری از آن، کم‌کم توانستند پیشرفت‌های شگرفی در قرون هفده، هیجده و نوزده به وجود آورند. (۳)

در این دوران به آهستگی جهان اسلام، تحت تأثیر دو عامل به خواب فرو رفت و عقب افتاد: یکی استعمار و استثماری بود که غرب در این منطقه مهم جغرافیایی و فکری انجام داد و دوم استبداد و انحرافی که حکام مسلمان به آن روی آوردند و این دو، موجب دور افتادن مسلمانان از افکار و اندیشه های ناب اسلامی گردید و لذا ضربه مهمی بر پیکر جهان اسلام وارد آمد و این ضربه، در جنگ جهانی اول به اوج خود رسید چون که امپراتوری عثمانی عمدتاً به همان دو دلیل مهم، منقرض شد و مسلمانان پناهگاه اندکی که عثمانی ها فراهم آورده بودند، از دست دادند و لذا تهاجمی دهشتناک از لحاظ نظامی و از لحاظ فکری از ناحیه غرب بر جهان اسلام آغاز گردید به طوری که مسلمانان بسیاری از خودبیگانه شده، اسلام را عامل عقب ماندگی دیده و در نتیجه، نگاه به دست غرب کرده و امیدوار بودند که شاید با الگو گرفتن از غرب بتوانند عقب افتادگی خود را جبران کنند. البته در این دوران، کسانی هم بودند که با هوشیاری و درک عمیق از اوضاع و شرایط به این نتیجه دست یافتند: علت عقب افتادگی و به خواب رفتن جهان اسلام، از اسلام نیست بلکه بدان خاطر است که مسلمانان از اسلام، دور شده و از اندیشه های اسلامی فاصله گرفته اند.

شخصیت هایی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی، سید قطب، حسن البنا و امثالهم در این دوره و در این راستا، تلاش زیادی کردند تا مسلمانان را از خواب سنگین بیدار و به آنها بفهمانند که علت شکست و عقب افتادگی آنها چیست و چه باید کرد؟ (۴)

آخرین ضربه اساسی که جهان غرب بر جهان اسلام زد شکل دادن و تحمیل، صهیونیسم بود که بذر آن را در سرزمین مقدس فلسطین کاشت. در این زمان، آرنولد توین بی-مورخ معروف انگلیسی- در بررسی تمدن ها و در کتاب تمدن در بوته آزمایش، جمله بسیار مهم و تاریخی زیر را مطرح ساخت: پان اسلامیزم خوابیده است اما اگر مستضعفین جهان بر ضدسلطه غرب، شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته، بیدار خواهد شد و بانگ این شورش، ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلام مؤثر افتاد و اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود، قیام کند. (۵)

پیش بینی توین بی در ۱۹۷۹ با انقلاب اسلامی ایران که انفجار نور بود، به وقوع پیوست. انقلابی که با دست خالی و با تکیه بر شعار الله اکبر و بازگشت به ارزش های اسلامی در مقابل همه قدرت های بزرگ و ابر قدرت ها ایستاد و توانست نه تنها نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران بلکه نقطه عطفی در جهان اسلام و بلکه در کل تاریخ بشری گردد. با این حرکت، آن خفته، بیدار شد و به سرعت در سراسر جهان اسلام گسترش پیدا کرد و لذا هنوز دو سالی از انقلاب نگذشته بود که در لبنان، عده ای جوان با ایمان، پنج قدرت بزرگ آن زمان را که در آن کشور پایگاه داشتند، یعنی آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل را به زانو درآوردند و بدون دادن کوچک ترین امتیازی، آن ها را وادار به فرار کردند. در افغانستان، امپراتوری انگلیس و روسیه به زانو درآمد و اینک می رود که امپراتوری آمریکا را از حمله و اشغال افغانستان پشیمان نماید و به شکست آن کشور در این بخش از جهان منجر شود.

در ترکیه، الجزایر و سایر کشورهای اسلامی، تنها بانگی که امروز بلند می شود ندای اسلام است و در فلسطین اشغالی، انتفاضه، امان را از صهیونیسم و امپریالیسم

گرفته است. بنابراین باید گفت: اگر آمریکا امروز به فکر تداوم اشغال عراق است، هدف واقعی اش ضربه زدن به بیداری و آگاهی اسلامی است. در واقع، مسلمان ها بیدار شده اند و بر پایه سه اصل مهم، کار بزرگ خویش آغاز کرده اند: یکی، «بازگشت به اسلام ناب» که همین اسلام، در دوره های اولیه اسلامی توانست بر قدرت های بزرگ آن زمان غلبه کند، دوم، «وحدت جهان اسلام» است که امپریالیسم و استعمار، سالیان دراز سعی کرد با تکیه بر اصولی چون تفرقه بینداز و حکومت کن، بین فرقه های مختلف اسلامی فاصله بیشتر بیندازد. سوم، «استکبار ستیزی» و مقابله با کفر و الحاد و طاغوت و طاغوتیان زمان است. این حرکت یقیناً به پیروزی اسلام و شکست استکبار ختم خواهد شد. (۶)

دلیل تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی

آن گاه که معمار انقلاب اسلامی می کوشید بر بیدارسازی مستضعفان و مسلمانان، تأثیر بگذارد شاید این سؤال به ذهن می آمد که دلیل یا دلایل این تأثیرگذاری چیست؟ بخشی از پاسخ هایی که می توان به این پرسش داد عبارت است از:

۱. تأثیر حضرت امام خمینی از جنبه دینی و اسلامی بر مسلمانان، کم نظیر است. در واقع، از قرن پانزدهم در دنیای غرب و شاید کمی پس از صدر اسلام، شخصیتی را نمی بینیم که این همه، نهضت، افکار و عملکرد و راهبردهایش در سطح جهان اعم از جهان غرب (لیبرالیسم)، جهان شرق (کمونیسم) و جهان اسلام تأثیر گذاشته باشد.

۲. حضرت امام خمینی، مفهوم و معنای قدرت را در سطح جهانی و نیز، در جهان اسلام، تغییر داد. معنای قدرت قبل از او بر منابع مادی تکیه داشت ولی پس از -

انقلاب اسلامی ایران و تأثیر گفتمان حضرت امام بر جهان، معنا و تعریف قدرت از تکیه بر منابع ملموس (مادی) به غیرملموس (معنوی) از قبیل عقاید، پرورش افکار و اطلاع رسانی، تغییر پیدا کرد.

۳. در شش و هفت قرن گذشته، یک شخصیت دینی و علمی که انقلابی کند، ملتی را رهبری نماید، همه و حتی مخالفینش، مشروعیت و مقبولیت او را کاملاً تصدیق کنند، پیدا نمی شود. به واقع، می توان گفت: مشروعیت سیاسی و دینی امام در سطح جهان و در قرون اخیر، بی نظیر بود.

۴. با مطالعه زندگی رهبران انقلاب های گذشته در می یابیم، هیچ یک از آن ها به توانایی امام خمینی در برقراری ارتباط صمیمانه و مردمی با مستضعفین و دیگر طبقات اجتماعی در ایران نمی رسند. ایشان بیش از هر قائل دیگری موفق شد پیام های قرآنی را به زبان بسیار ساده به توده های مسلمان برسانند و این از اسرار بزرگ پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می رود.

۵. زندگی بی تجمل وی، صلاحیت رهبری مستضعفان و توده های مسلمان را به او عطا کرد. درواقع، زندگی او همواره بی تجمل بود،

چه موقعی که یک طلبه ساده بود و چه زمانی که مرجع تقلید انسان های زیادی قرار گرفت و چه هنگامی که خود را در رأس هرم قدرت یافت. به علاوه، تقوا و اخلاق اسلامی امام خمینی تأثیرات فراوان و شایانی بر مردم گذاشت و این تأثیر، انسان های زیادی را به حرکت و قیامی واداشت که امام منادی آن بود.

۶. امام خمینی، تنها به امت و تمدن اسلامی و نجات آن از گمراهی و عقب ماندگی مادی و معنوی نمی اندیشید بلکه در فکر نجات همه ملت ها و تمدن ها بود. پیامش به گورباچوف و پاپ، گویای دغدغه انسانی و الهی وی در نجات انسان ها و

فرهنگ‌هایی بوده که از جاده هدایت انسان به سوی سعادت دنیا خارج شده بودند. این دلسوزی، ارتباط و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را با سایر بخش‌های جهان برقرار کرد.

۷. امام خمینی هم بر جهان شمولی نهضت اسلامی مردم ایران تأکید می‌کرد و آن را تنها مختص مسلمانان جهان نمی‌دید و هم، جهان شمولی الگوهای غربی را رد می‌نمود و توانایی الگوهای غربی را برای هدایت و نجات انسان‌ها نمی‌پذیرفت در حالی که در میان خیلی از متفکرین مسلمان، این اصرار (جهان شمولی اسلام) و این نوع نظریه پردازی (ناتوانی غرب در اداره جهان) به چشم نمی‌آید.

۸. امام خمینی تنها متفکری است که در پنج یا شش قرن گذشته، هم به نظریه پردازی انقلاب پرداخته و هم خود آن را به عرصه عمل آورد. در تاریخ، کمتر می‌یابیم انسان‌هایی را که هم بنویسند که چرا باید انقلاب کرد و بعد خودشان، به میدان آیند و انقلابی که از آن سخن می‌گفتند را پدید آورند. در حقیقت، پیوندنظر و عمل، از دلایل مهم موفقیت امام در برپایی انقلاب اسلامی است. بهره‌گیری از دین در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب، مهم‌ترین تأثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی بر جنبش گران مسلمان و جنبش بیداری اسلامی است در حالی که قبل از آن و در فضای جهانی آلوده به لیبرالیسم و کمونیسم، کمتر کسی به توانایی دین در پدیدآوری انقلاب ایمان داشت. برپایه تکیه بر دین به مفهوم فوق، مفاهیم قدرت دگرگون شد و مسلمانان دریافتند، قدرت واقعی تکیه بر قدرت الهی است و به کمک چنین قدرتی می‌توانند به حقوق از بر بادرفته خویش دست یابند. امام خمینی به همه مسلمانان و مستضعفان نشان داد، تنها راه دست‌یابی به: مشروعیت و مقبولیت، زندگی ساده و بی‌آلایش، نجات انسان‌ها و تمدن‌ها

و ترکیب سازی نظر و عمل برپایه آخرین دین الهی یعنی اسلام است. دینی که برای همه جهان، برنامه و سخن دارد. به دیگر سخن، امام و انقلاب اسلامی ایران به خوبی نشان دادند که تنها راه نجات، اسلام است و این رمز بیدارشدن جهان خسته از گمراهی مسلک ها و مکتب های دیگر است.

نتیجه

انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، بررسی دو نمونه انقلاب اسلامی ارزش هایی چون حجاب، پیوند دین و سیاست، اسلام به عنوان تنها راه مبارزه و میل به حکومت اسلامی را در جهان زنده و یا خلق کرد، بدون آن که ناچار شود و یا نیازی ببیند در این راه به اقدام فیزیکی (نظامی) متوسل گردد. این مسأله نشان می دهد که ارزش های اسلامی به دلیل انطباق با فطرت انسانی، در توسعه و تعمیق تنها به یک احیاء کننده نیاز دارد، البته ارزش های ناشی از انقلاب اسلامی در سرزمین های اسلامی بیش از ممالک اثر گذاشت و گسترش یافت، بی شک یکی از مهم ترین علل آن، وجود عنصر اسلام و وجوه مشترک فراوان بین اسلام کشورهای اسلامی و اسلام در ایران انقلابی است از جمله در لبنان و فلسطین.

الف- حزب الله به شدت تحت تأثیر امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری قرار دارد. در واقع برجسته ترین تأثیر خارجی انقلاب اسلامی را می توان در چهره و وجود حزب الله دید. چرا انقلاب اسلامی به این میزان بر جنبش اسلامی حزب الله تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ به این سؤال، مباحث زیر را مرور می کنیم:

بین ایرانیان و لبنانی ها، علقه های فراوانی چون پیوندهای تاریخی علما و مردم جبل عامل با ایران دوران صفویه، فعالی های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی

بلند آوازه ایرانی امام موسی صدر به عنوان رهبر شیعیان لبنان، تشکیلات برجای مانده از او یعنی جنبش امل، حضور شیعیان بسیار در لبنان، وجود دشمن مشترک (اسرائیل) حمله اسرائیل به جنوب لبنان، کمک های انسان دوستانه جمهوری اسلامی ایران به محرومان لبنانی، مهاجرت و سکونت دائم تعدادی از اتباع لبنان در ایران و... وجود دارد. این پیوندها باعث شده است که انقلاب اسلامی ایران بیش از هر جای دیگر، در لبنان تأثیر بگذارد. این تأثیر، در زمینه های متعددی مشاهده می شود.

در زمینه فرهنگی، تعداد زیادی از تصاویر بزرگ امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در نقاط مختلف لبنان به چشم می خورد. بر روی دیوارهای آن کشور، عکس شهدایی دیده می شود که جان خود را در راه مبارزه علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی (دشمن شماره یک ایران) از دست داده اند. مردان با ظواهر اسلامی در خیابان ها در رفت و آمد هستند. زنان ملبس به حجاب اسلامی اند و در اجتماعات عمومی، جایگاه نشست و برخاست زنان از مردان جداست، و مردم لبنان از ایران به عنوان یک دولت انقلابی و اسلامی حمایت می کنند.

در لبنان، حزب الله بیش از هر گروه سیاسی اسلامی دیگر، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. علاوه بر زمینه های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه های دیگری موجب چنین تأثیر شگرف شده است. این انگیزه ها را می توان در پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب الله و کمک های ایران به حزب الله دید. هم چنین، حزب الله از لحاظ اقتصادی و اجتماعی با اعطای کمک های تحصیلی به مستضعفان، توزیع داروی رایگان بین بیماران، تقسیم آب بین نیازمندان، ارائه خدمات درمانی به محرومان، البته در پرتو حمایت ایران، به شدت فعال است.

تصویر

در عین حال، از لحاظ نظامی از اسلحه و جنگ جدا نیست. بلکه برپایه اصل جهاد، همواره آماده پاسخ گویی به حمله احتمالی دشمن صهیونیستی است، و در این باره، اعضای حزب الله لبنان براساس شعار اسلامی امام خمینی (ره) یعنی اسرائیل باید از بین برود، قسم یاد کرده اند که جنگ با اسرائیل را تا آخرین لحظه ادامه دهند. در بعد فرهنگی، حزب الله شعارهایی را از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته و سمبل های انقلاب اسلامی را سمبل خود می داند. پیروزی حزب الله در دودهه از فعالیتش علیه اسرائیل، در مقایسه با فعالیت ۴۰ و ۵۰ ساله ساف، نشان از سودمندی استفاده از شعارهای اسلامی و به کارگیری جهاد مقدس علیه اشغال گران و عدم اتکاء به کشورهای دیگر در مبارزه ضداسرائیلی دارد.

حزب الله لبنان در بعد سیاسی هم به شدت از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است، رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و برپایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته. به همین جهت از مواضع منطقه ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران حمایت به عمل می آورد، و در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان است. یکی از رهبران جنبش اسلامی لبنان بر عقیده است: «ما به جهان اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی مادر ماست. دین ما، ملکه ما، خون ما و شریان حیات ماست.

اولاً، به مبارزه رنگ اسلامی زد، شعارهای اسلامی برگزید، جهاد علیه اشغال گران را اعلام و ادامه داد.

ثانیاً، بدون اتکاء به کشورهای دیگر، مبارزه خود را اداره کرد و آن را به انجام رسانید. که هر یک از این دو علت توفیق نیز، برگرفته از انقلاب اسلامی ایران است.

ب- بیداری اسلامی در فلسطین نیز، مرهون انقلاب اسلامی است. همچنین، سهمی قابل توجه از بیداری اسلامی در فلسطین، متأثر از اقدامات جمهوری اسلامی ایران درباره فلسطین است که پذیرش مقامات بلندپایه فلسطینی در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، تبدیل کنسول گری اسرائیل به سفارت فلسطین، اعطای لقب سفیر به نماینده ساف در ایران، اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس، ارائه کمک های مالی و انسان دوستانه، حمایت ها و پشتیبانی های دیپلماتیک و سیاسی از جنبش فلسطین، مخالفت با طرح های سازش و صلح خاورمیانه و تأسیس صندوق حمایت از مردم فلسطین، بخشی از این اقدامات به شمار می رود.

انقلاب اسلامی ایران انگیزه اصلی خیزش و رستاخیز اسلامی در فلسطین اشغالی، به ویژه در نوارغزه و کرانه باختری رود اردن محسوب می شود. شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جنبش جهاد اسلامی، می گوید: «انقلاب امام خمینی، مهم ترین و جدیدترین تلاش در بیدارسازی اسلامی برای اتحاد ملت های مسلمان بود.» و نیز برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت کارتر می نویسد: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران امام خمینی، یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است، ایجاد کرده است.

بنابراین، انقلاب اسلامی برداشتی نوین از اسلام و قرآن در جوامع اسلامی و نیز در جامعه سنی مذهب فلسطین پدید آورد؛ چنان که روند مخالفت با دولت های فاسد و سرکوب گر را تشدید کرد، به مبارزه آشکار علیه آموزه های تحمیلی ضددینی دامن زد، تلاش برای تحقق برابری و عدالت اجتماعی را شدت بخشید، واکنش مسلمانان در برابر غرب و غرب زدگی را توسعه داد و یأس و ناامیدی سال های

پایانی دهه ۵۰ تا ۷۰ را از میان برد. یکی از مهم ترین علت های ناکامی ساف در مبارزات ضداسرائیلی نیز، برخوردار نبودن از درک شرایط نوینی بوده است که انقلاب اسلامی در جهان آفرید. ولی به عکس ساف، حرکت اسلامی نوین فلسطین، شیوه های انقلاب اسلامی را مبنای مبارزات ضد صهیونیستی خویش قرار داده است. شیخ اسعد تمیمی، از رهبران جنبش فلسطینی، بر آن است که تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد اعراب علیه اسرائیل غایب بود و حتی مسلمانان در عرصه واژگان، مثلاً به جای واژه جهاد از واژه‌هایی همچون نضال (مبارزه) و کفاح (پیکار) بهره می‌جستند و انقلاب ایران، این حقیقت را که اسلام راه حل و جهاد وسیله اصلی است، به سرزمین فلسطین برد. شیخ عبدالله شامی، چهره برجسته اصول گرای فلسطینی می گوید، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اثری ژرف بر انقلاب و بر مردم فلسطین داشته است و پس از آن مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی فلسطین به قرآن و سلاح نیازمندند.

این اندیشه، نخست در حرکت جهاد اسلامی فلسطین راه یافت و سپس همین سازمان بذر آن را در سرزمین فلسطین افشاند.

منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱. مفهوم شناسی بنیادگرایی اسلامی اثر غلامرضا بهروز لک منتشره در سایت باشگاه.
۲. همان.
۳. نهضت بیداری اسلامی اثر حمید مولانا منتشره در سایت امت اسلامی.
۴. همان.
۵. همان.
۶. بیداری اسلامی، خودشناسی و دفاع از آن، اثر فهمی هویدی منتشر شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

